

تاریخ شفاهی

زنان

قیام ۱۷ دی زنان مشهد

روز آزادی زنان

تاریخ شفاهی قیام ۱۷ دی زنان مشهد

تحقیق: ملیحه بطنی نژاد، سمیه ذوقی و ندا ترکمن چه
تدوین و نگارش: سمیه ذوقی

فهرست

۷.....	پیشگفتار ناشر
۹.....	مقدمه نویسنده

۱

رهایی از بند

۱۳.....	مشهد، زندان زنان، ۱۷دی ۱۳۵۶.....
۱۴.....	تهران، دانش سرای تربیت معلم، ۱۷دی ۱۳۱۴.....
۲۱.....	تهران، آزادی حجاب، ۱۳۲۳.....
۲۳.....	چادر ممنوع!
۲۵.....	مشهد، خانه ننه.....
۳۳.....	تکیه پزندگان.....
۳۴.....	همه می آیند.....
۳۷.....	شعرا؛ یک تیر و چند نشان.....
۳۹.....	انتظامات با مردها.....

۲

قیام علیه طاغوت

۴۳.....	مشهد، تکیه پزندگان، ساعت هشت روز ۱۷دی ۱۳۵۶.....
۴۹.....	خفه شو دخترا!.....

۳

کوچه های بن بست

۵۵.....	مشهد، مقابل باغ نادری، حوالی ساعت دوازده روز ۱۷دی ۱۳۵۶.....
۶۶.....	کلانتری ۳.....
۷۰.....	من فقط مداحم!.....
۷۴.....	دنبال دختری نگرد.....
۷۷.....	مردهای چادری.....
۸۰.....	از مشهد به اصفهان.....

۴

زندادان زنان

مشهد، بند نسوان، غروب ۱۷ دی ۱۳۵۶ ۸۳

۵

تلاش برای آزادی

مشهد، خانه میرزا جواد آقا تهرانی، ۲۰ دی ۱۳۵۶ ۹۵

مشهد، خیابان عطار، ۲۱ دی ۱۳۵۶ ۱۰۰

خراج از دانشگاه ۱۰۲

زندانی بند پنجم ۱۰۳

دادگاه ۱۰۴

۶

پژواک صدای زنان

مشهد، سازمان زنان خراسان، ۲۱ دی ۱۳۵۶ ۱۰۷

جهان هم شنید ۱۰۹

ادامه راه ۱۱۱

۷

ضمانم

ضمیمه اول: معرفی افراد ۱۱۳

ضمیمه دوم: دیداری دوباره ۱۳۵

۸

استاد و تصاویر ۱۴۳

پیشگفتار ناشر

ده‌ها هزار هستهٔ فعالیت فرهنگی، مقارن سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی شکل گرفت که نقشی محوری در پیشبرد اهداف انقلاب داشت. از مساجد و مدارس دینی تا روضه‌ها، هیئت‌ها، انجمن‌های اسلامی و جلسات قرآن. همهٔ اینها عامل اصلی انقلاب بودند در میان مردم و انقلاب از تربیت تودهٔ مردم به وسیلهٔ نهادهای این‌چنینی به وقوع پیوست. بستری این هسته‌ها و مراکز انقلاب، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی بود؛ از اشعار و ترانه‌های اعتراضی و انقلابی گرفته تا پوسترها، کارت‌پستال‌ها، دیوارنوشته‌ها، نمایشنامه‌ها، تئاترها، مستندها، عکس‌ها و... همه و همه ابزاری بودند در دست مردم و هنرمندان تا به گسترش و عمق فکری و عینی انقلاب یاری رسانند. همهٔ این تحرکات، نوع متمایزی از هنرِ درباری و نیز روشنفکری را جان بخشید: «فرهنگ و هنر مردمی انقلاب».

بعد از پیروزی انقلاب و شروع دفاع مقدس، به واسطهٔ اوضاع خاص آن دوره، حضور مردمی در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و نظامی نیز پُررنگ شد و چهره‌ای خاص از فضای اجتماعی ایران دههٔ ۶۰ را تصویر کرد. حضور در راهپیمایی‌ها و تظاهرات‌ها و... حالا جای خودش را به حضور در نهضت سوادآموزی برای ریشه‌کن کردن بی‌سوادی، حضور در جهاد سازندگی برای

مقابله با ظلم و فقر، حضور در مدارس و سنگرهای تربیتی برای پرورش و تربیت نسل‌ها، کمک‌های پشت جبهه برای اداره و کمک به دفاع، حضور خردسالان و نوجوانان در گروه‌های سرود و تئاتر مساجد و مدارس برای زنده نگه داشتن فرهنگ انقلابی و... داده بود. این ظهور و بروزها قسمت مهمی از تاریخ انقلاب اسلامی است که ثبت نشده و نمی‌شود؛ تاریخی که متمایز با تاریخ سیاسی و نخبگانی رایج است؛ تاریخ مردمی و اجتماعی فرهنگ انقلاب.

توجه به این قسمت تاریخ، به شدت مهم، ضروری و فوری است؛ چراکه انقلاب اسلامی برای حیات خود در عرصه‌های مختلف نیاز به فرهنگ موجب انقلاب دارد و فرهنگ انقلاب تنیده است در تاریخ اش، ممزوج با زندگی مردم و روایت مردم از آن دوران که خود موجب بازتولید فرهنگ خواهد شد.

انقلاب در علوم انسانی نیاز به قرائت درست خود از این مقوله دارد و علوم انسانی ایرانی قطعاً از تجارب تربیتی، مدیریتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مردم انقلابی در دهه ۵۰ و ۶۰ برخوردار خواهد خواست.

بایکوت و سانسور تاریخ اجتماعی و فرهنگی حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی، به تجربه انقلاب ایران محدود نمی‌شود؛ بلکه متأسفانه فراگیر است و از افغانستان تا مصر را هم دربرمی‌گیرد.

«گنج»، جهاد برای آواربرداری از معادن و منابع انکارشده تاریخ معاصر در فضای ملی و بین‌المللی را تکلیف خود می‌داند و از همه فرهیختگان و دلبستگان انقلاب اسلامی در این مسیر طولانی استمداد می‌طلبد.

واحد تاریخ شفاهی

دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی